

## ● نگاهی به برنامه‌های کودک و نوجوان

### تلویزیون

قسمت دوم

امین دهلوی



در بخش نخست نگاهی به برنامه‌های کودک و نوجوان تلویزیون در شمارهٔ پیشین مجله محور بحث «موضوع» بود. در این بخش علاوه بر موضوع تلاش بر این است تا به دیگر عناصر و عوامل برنامه‌های کودک و نوجوان بپردازم، عوامل و عناصری چون: الف: موسیقی ب: بازی ج: کارگردانی د: کارگردانی تلویزیونی ه: اجرا و: صحنه پردازی و طراحی صحنه ز: نور و ...

یکی از مهمترین عناصر در برنامه‌های کودک و نوجوان، چه برنامه‌های گزارشی و چه مسابقات و سرگرمی و چه سریال و چه نمایشی، عامل موسیقی است که متأسفانه همواره از چشم تولیدکنندگان داخلی اینگونه برنامه‌ها دور مانده است.

اگر برنامه‌های خارجی کودک و نوجوان از سازهایی قبیل ارگ و سینتی سایزر و سازهایی از این خانواده بهره می‌گیرند، این بهره‌جویی به لحاظ فرهنگ آنهاست. این سازها از آن فرهنگ قوی و ملی آنهاست و اگر بدقت بنگرید کمتر بی‌جهت و بدون در نظر داشتن ذهن و زبان کودک و یا نوجوان از هر سازی استفاده می‌کنند. کودک در سن دبستان و پیش از دبستان با سازهای آرف آشنا شده است و می‌شود. تک صداها را شناخته و بتدریج دو صدایی و سپس ترکیب چند صدا را می‌شنود، در این باره استثناء هم وجود دارد که بحث دیگری است.

اما برنامه‌های کودک و نوجوان تولیدات داخلی، متأسفانه به پیروی از برنامه‌های فرنگی و بی‌توجه نسبت به روانشناختی کودک و نیز انباشت و گنجایش ذهنی کودک در اغلب برنامه‌ها از سازهایی چون ارگ و سینتی سایزر استفاده می‌کنند. به عبارتی یکباره حجمی

از صداهایی که کودک هنوز با تک تک آنها آشنا نشده است، به ذهن او فرو می‌آید. آنهم نه موسیقی‌ای که دارای نُت باشد و یا بتوان بحث علم موسیقی را دربارهٔ آن ادامه داد. بویژه در دو سه سالهٔ اخیر در چندین برنامهٔ کودک و نوجوان و بخصوص در شبکهٔ دو این بی‌توجهی فراوان دیده شده است. موسیقی‌ای که در برنامه‌های «تازه‌ها» می‌شنوید و یا یکی - دو برنامه که چند ماه پیش به تهیه‌کنندگی مجید قناد بر صفحهٔ تلویزیون نمودار شد. «مسابقهٔ محله» و ... نمونه‌های بارزی از بی‌توجهی‌های سازندگان چنین برنامه‌هایی می‌باشد که حتی ملودیهای مورد استفادهٔ این گونه برنامه‌ها نه تنها علمی نیست بلکه ملودیهای است که بیشتر در مجالس عروسی و جشن‌ها استفاده می‌شود.

هنگامیکه بحث بهداشت روانی کودک پیش می‌آید، باید به این مسئله نیز توجه کرد که یکی از طرق آلودگیهای زیستی کودک نیز از طریق رادیو و اغلب تلویزیون آغاز می‌شود. اگر کودک نسبت به سازهایی چون «آلتو»، «پلزه» و «فلوت ریکوردر» و - آشنا و لااقل صداهای این سازها را شنیده باشد باز می‌توان راهی برای توجیه استفاده از ارگ و سینتی سایزر پیدا کرد. اما بحث، گنجایش ذهن کودک است. که استفادهٔ مدام و شنیدن اینگونه سازها به نظر نگارنده نه تنها مانند سم عمل می‌کند بلکه خطرانی را در آیندهٔ زیست محیطی کودک آتی ساز جامعه بوجود خواهد آورد. هم اکنون در برخی آموزشگاه‌های موسیقی، مهدکودک‌ها، فرهنگسراها و برخی مراکز آموزشی اقدام به آموزش سازهای آرف کرده‌اند، این دسته از کودکان به لحاظ آشنایی، آسیب روحی کمتری می‌بینند، اما چند در صد از کودکان این مرزبوم به آموزش چنین سازهایی می‌پردازند؟ و اگر قرار باشد تیتراژ آغازین و پایانی و موسیقی متن و وله‌های میان برنامه‌ها از ارگ و پیانو و سینتی سایزر استفاده کنند. حداقل آموزش صحیح سازهای پایه را نیز در تلویزیون برای کودکان و علاقمندان عملی کنند.

اما عامل دیگری که در برنامه‌های تلویزیونی از اهمیت بسزایی برخوردار است، و برنامه‌سازان کودک و نوجوان تلویزیون نسبت به آن بی‌توجه‌اند. عامل بازی و بازیگری است. در کمتر برنامه‌ای می‌توانید ببینید که بازیگران یکتن مجموعه دارای توانایی و دانش بازی و بازیگری باشند اغلب اصلاً حرفه‌اشان این نیست. بعنوان مثال در آفتاب و عزیز خانم قرار است که پستیچی قبض مستمری عزیز خانم را بیاورد. ایفاگر نقش پستیچی حتی به اصول اولیهٔ بازیگری آشنایی نداشت تا چه رسد به بازیگری تلویزیون. یا در بخشی دیگر از همین مجموعه قرار است که همسایه گویی به مهمانی یا مسافرت رفته، کلید را به عزیز خانم میدهد تا گلدان‌هایش را آب دهد، عزیز خانم به گل‌های مصنوعی هم آب می‌دهد. همسایه از مهمانی یا سفر بازمی‌گردد و متوجه اشتباه عزیزخانم می‌شود. کنشی که در این میان درمی‌گیرد هیچ ربطی به عنصر بازی و اصول بازیگری ندارد و بازیگر نقش همسایه از کجا آمده است نمیدانم. در بخش دیگر این مجموعه، آفتاب، دنبال عزیزخانم می‌گردد، به پیرمردی برمی‌خورد که به لهجهٔ ترکی می‌گوید: پیر زن هنگام عبور از اتوبان با ماشین برخورد کرد و آمبولانس او را برد و بعد آفتاب متوجه می‌شود که قضیهٔ پیرزنی که پیرمرد می‌گوید مربوط به هفته گذشته است شاید

بی‌مزه‌ترین دستمایه‌هایی از قبیل بکارگیری لهجه‌ها و به تسمخر کشیدن آنها ابتدا از رادیو و در تلویزیون با آن گروه تهران ۲۰ و لبخند پیروزی و برنامه نوروزی آغاز شد و متأسفانه با توجه به هشدارها و نقدهایی گوناگون هنوز این دو رسانه، دست از مسخرگی برنداشته‌اند، به‌رحال بحث عنصر بازی و انتخاب بازیگر است که از عناصر مهم دیگر یک مجموعه تلویزیونی می‌باشد و برنامه‌های کودک و نوجوان تلویزیون معمولاً نادیده گرفته می‌شود. ناگفته نماند که دو مجموعه سمندون و کلاه قرمزی که چندی پیش از تلویزیون بخش شد استیستاس و از بازیگرانی در این دو مجموعه بهره گرفته شده بود که تا حدی قابل قبول بنظر می‌رسید. بحث موضوعی این دو مجموعه در شماره قبل همین مجله آمده است شاید برخی از برنامه سازان، بعنوان مثال تهیه کننده و یا کارگردان مجموعه آفتاب و عزیز خانم مدعی شوند که می‌خواسته‌اند از مردم عادی و یا کسانی که حرفه‌اشان به فرض پستیچی بوده است استفاده کنند تا هر چه طبیعی‌تر به نظر آید اما باید گفت کجایش طبیعی است. رابطه‌اش با تماشاگر، رابطه‌اش با دیگر بازیگران. روانی بازی در مقابل دوربین، کدامیک؟ کارگردانی هنری و تلویزیونی نیز از جمله عناصر مهم در مجموعه‌های تلویزیونی است که به مواردی چون هدایت بازیگران بیان بازیگران، میزاسن و بدن بازیگران کمتر توجه می‌شود. تاجائیکه گاه دوربین از دنبال کردن بازیگر ناتوان است. ارتباط تنگاتنگ کارگردان هنری و تلویزیونی می‌تواند در ترکیب صحنه و ارتباط تمامی عناصر در هر چه بهتر شدن برنامه‌ها بویژه مجموعه‌های نمایشی و سریالی مؤثر واقع شود. گویی هنوز اختلاف کارگردان هنری و تلویزیونی، لاینحل باقی مانده است. کارگردان تلویزیونی نه به معنای «سوئیچر» بلکه به معنای واقعی واژه اگر با حرفه خود آشنایی کامل داشته باشد و بپذیرد که کار «کارگردان هنری» به زعمی تا پشت در استودیو و یا تا مرحله ضبط به پایان نرسیده است. شاید در ارتباط خود با کارگردان هنری موفق‌تر عمل کند. کارگردان تلویزیونی باید بداند که او فقط کروکی حرکت بازیگران را می‌تواند با دوربین و با دوربین‌های تحت اختیار خود، دنبال کند. تمرکز و بیان و حس و ارتباط بازیگران با یکدیگر و طرز ادای صحیح دیالوگها، بعهده کارگردان هنری است چه در استودیو و چه در خارج از استودیو. البته این بحث تنها مربوط به برنامه‌های کودک و نوجوان نمی‌شود. در اغلب اوقات چه در مصاحبه‌ها و یا محافل هنری چنین بحث‌هایی شده است. وظیفه کارگردان تلویزیونی است که از ابتدای نگارش متن و نیز تمرین همگام با کارگردان هنری و سایر عوامل در ارتباط باشد او نیز باید به سبک و سیاق یک اثر نمایشی آشنا شود. ضمن آنکه شناخت کافی نسبت به عناصر نمایشی داشته باشد. اصولاً هنگامیکه بحث کار جمعی پیش می‌آید. همگی موظف‌اند به قوانین کار جمعی احترام بگذارند. حال اگر قرار باشد این کار، تهیه یک اثر هنری باشد تعهدات و وظایف سنگین‌تر خواهد بود. سعی نگارنده آموزش نیست. بلکه به لحاظ مشاهدات برنامه‌هایی است که از تلویزیون بخش می‌شود و به کاستی‌های آنها توجه می‌کند ضمن آنکه نقاط قوت را هم از نظر دور نداشته است. حتماً دیده‌اید که از یک نمای باز یکباره به نمای درشت سوژه کات می‌شود و باز یکباره

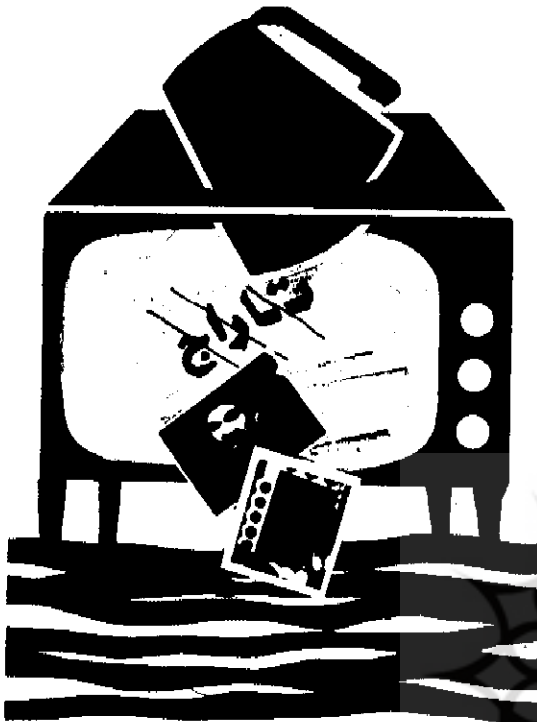
از نمای درشت کات می‌شود به نمای باز و یا لانگ شات و اکستریم لانگ شات، اگر بپرسید چرا این عمل را انجام داده‌اید؟ در جواب می‌گویند فلانی هم چنین کاری را کرده است و یا در فلان اثر خارجی، فلان کارگردان نیز چنین کرده است. و یا مدعی می‌شود که شیوه من در کارگردانی چنین است. آنگاه باید گفت با کدام دلیل؟ بعنوان مثال در آفتاب و عزیزخانم، آفتاب در نمای کنار خیابان ایستاده است. دوربین از بالا (های انگل) در یک لانگ شات آفتاب را نشان می‌دهد که البته معلوم نیست آفتاب است یا کس دیگر و یکباره کات می‌شود بصورت درشت آفتاب. کارگردان چه توجیهی برای چنین صحنه ساده‌ای دارد؟ آنهم با موضوعی ساده که فقط قصد نویسنده و یا کارگردان آن رساندن یک پیام مستقیم و گاه غیر مستقیم است. البته صرفاً بحث مجموعه آفتاب و عزیزخانم نیست، در اغلب برنامه‌ها، چه استودیویی، چه نمایشی و گزارشی چه ... نیز چنین است.

بحث اجرای مجریان برنامه‌های کودک و نوجوان نیز یکی دیگر از مباحث و یا به تعبیری مشکلاتی است که گریبان برنامه‌های این دو قشر را گرفته است تا دو سه سال پیش مجریان بزرگسال، اجرای برنامه‌های کودک و نوجوان را بعهده داشتند و در برخی برنامه‌ها هنوز ادامه دارد. بحث اینگونه مجریان که باید دارای چه ویژگی‌های باشند را در برخی مجلات و روزنامه‌ها بطور پراکنده نوشته‌ام. و فقط به لحاظ یادآوری جای دارد به چند نکته اشاره کنم. که اغلب مجریان بزرگسال برنامه‌های کودک و نوجوان یا هیچگونه آشنایی‌ای به وظیفه خود و حرفه خود ندارند و یا شرایط اجرای برنامه‌های تلویزیونی را، چه رسد به برنامه‌های کودک و نوجوان. جز یکی - دو مورد که به خانم رضایی پیش از این اشاره کرده بودم. اغلب هیچ راهی برای ارتباط با مخاطب خود ندارند، اگر لبخندی به لب می‌آورند و گاه تسمی، آنقدر تصنعی است که کودک نیز متوجه می‌شود. آنان که از روی متن می‌خوانند حتی مشکل روحانی دارند و آنانکه از خود می‌گویند و یا حفظ کرده‌اند، آن قدر وارگان غریب بکار می‌برند و خشک صحبت می‌کنند که هیچ جذابیتی برای کودک ندارد. بویژه هنگامیکه با کودکان از رفتارها و گفتارها سخن می‌گویند و قرار است به آنها پیام برسانند که بتوان مثال. درس‌هایتان را بخوانید. مشق‌هایتان را به هنگام بنویسید. به موقع به رختخواب بروید، مسواک بزنید و ...

البته یکی از اقدامات بجای تلویزیون استفاده از مجریان کودک و نوجوان است که با هم سن و سالهای خود در تلویزیون روبرو می‌شوند. حرف‌های آنان برای مخاطبین خود پذیرفتنی‌تر است. صداقت و روانی و راحتی در اجرای آنان ملموس‌تر است. اما اشکال از جایی شروع می‌شود که این مجریان نوجوان هم نتوانند مخاطب خود را جذب کنند. روزی که برنامه تازه‌ها، از دو مجری خواهر و برادر استفاده کرد، شاید در اکثر محافل بحث این دو مجری بود، کودکان و نوجوانان نیز پذیرفته بودند که بهتر و راحت‌تر می‌توانند با این دو ارتباط برقرار کنند. اما هنگامیکه از شبکه دیگر (شبکه اول) دیدند که مجریان کوچک از حفظ می‌گویند و سریع و صریح حرف می‌زنند و دلنشین‌تر سخن می‌گویند. برایشان این سؤال پیش آمد که چرا هنوز دو مجری

# تاراج

امیر عشقی



نوجوان برنامه تازه‌ها تپق می‌زنند، حتی از روی متن مشکل می‌خوانند و مشکل با آنان ارتباط برقرار می‌کنند. در برنامه دیگر از جمله سه ماه تعطیلی، نیز مجری نوجوان جز در مواردی اندک، راحت و روان سخن می‌گوید. بچه‌های دیگر به ذهنشان رسید که چرا آنان به تلویزیون راه پیدا نکنند. حتماً پیش خود گفته بودند که از مجریان تازه‌ها که بهتر حرف می‌زنند، بر این شدند تا نامه بنویسند و از سازنده برنامه تازه‌ها بخواهند که چگونه دو مجری خود را انتخاب کرده، و او در پاسخ گفته است که به دنبال مجری بوده و این دو امتحان داده‌اند و قبول شده‌اند و هیچ ربطی با والدین این دو مجری در کار نبوده است. بهر حال بحث رابطه‌ها و دوستی‌ها در تلویزیون نیست که اگر باشد متوی هفتاد من کاغذ خواهد شد. بحث اجرای خوب است بحث ارتباط مجری با مخاطب است. بحث آموزش مجری و آشنایی او با چنین حرفه‌ای است.

اما بحث طراحی صحنه و دکور، که پیش آمد، یاد دوستی اقدام که می‌گفت در تلویزیون وطنی دکور معنا ندارد، پرسیدم چرا؟ پاسخ داد هنگامیکه قرار است اغلب شات‌ها درشت باشد و گاه مدیوم لانگ از یک نمایی داشته باشیم، بهتر نیست صرفاً به یکی - دو لته در بک‌گراند بسنده کنیم که هم هزینه‌ای کمتر مصرف شود و هم خیالمان راحت. و البته جای انصاف است که پاسخ دهم این مطلب بیشتر در باره برنامه‌هایی است که در استودیو انجام می‌شود. ولی در برنامه‌هایی که از پلاتو استفاده می‌شود و مجری چند صفحه‌ای را می‌خواند و گاه یکی - دو مهمان نیز دعوت می‌کند و تنها مربوط به برنامه‌های کودک و نوجوان نمی‌شود. این نیز یک ضعف کلی در تلویزیون است. بحث صحنه و دکور نیز از مواردی است که به کارگردان تلویزیون بازمی‌گردد. منظور ساخت و طرح و اجرای دکور و تهیه آکسوار نیست بحث استفاده درست از این عناصر است. چنانچه از عنصر نور، اگر قرار باشد دوربین و یا دوربین‌ها در جایی ثابت بمانند و هیچ حرکتی نکنند دیگر نیازی به دکور و وسایل صحنه نیست. در اغلب برنامه‌ها چه کودک و نوجوان و چه بزرگسال بخصوص برنامه‌هایی که در استودیو ضبط می‌شود، دوربین ثابت است. سایه مجری نیز روی لته‌ها و یا دکور باقی است. اگر همتی شود و دو یا سه دوربین در اختیار کارگردان باشد، گاه از کلوزآپ مجری به مدیوم و به ندرت نمای لانگ صحنه را می‌بینیم اما جای دوربین و یا دوربین‌ها تغییر نمی‌کند. این مسئله یا به سلیقه کارگردان و تصویر بردار بازمی‌گردد، یا به سلیقه و آشنایی و دانش کارگردان و یا سوئیچر، این که گاه به سوئیچر اشاره می‌کنم به دلیل آنست که اتفاقاً اغلب کسانی که بنام کارگردان تلویزیونی و یا فنی مشغول بکار هستند کار خود را در حد کلید زدن و یا باصطلاح سوئیچ کردن چند دکمه می‌دانند و از تصویرشناسی و دیگر مسائل فنی هیچ آگاهی ندارند، می‌گویند صحت ندارد. آمارشان را با سابقه کار و یا مدرک و یا دوره‌هایی که گذرانده‌اند بیاورید و سپس چند نمونه از کارهایشان ارائه دهید. این بی‌توجهی البته به مسئولین تلویزیون باز می‌گردد. هر چه قضایا را سهل‌تر بگیرد، سطح همه مقولات نیز پایین‌تر خواهد آمد آنگاه تک تک برنامه‌ها را بازمینی کنید. انصافاً چند برنامه مورد نظرتان خواهد شد برنامه‌هایی که مطابق استانداردهای تلویزیونی باشد نه استانداردهای من درآوردی.

عمو سالم: خب بگو بینم خلیل، حالا این کتابی که می‌خوانی چه؟  
خلیل: (مشتاق) بینوایان عمو سالم.  
عمو سالم: چی میگه، چی توش نوشته؟  
خلیل: ... یک شخصیتی داره که اسمش ژان والژانه که بخاطر یه قرص نون دستگیر شد.  
عمو سالم: دور و برت و نیگا کن خلیل، پر از ژان والژانه (پر از بینوایانه)...

\*\*\*

بچه که بودیم. بابام تعریف می‌کرد چند تا یهودی اومده بودند توی ده و دهات‌های اطراف. پارچه و کفش و روسری و این چیزا می‌فروختند. دهاتیها هم خوشحال هر وقت اونامی اومدند چادر سر می‌کردند و دور دوره گردها را می‌گرفتند به قواره چادری، به قواره پیرهن، خلاصه هر کسی، چیزی برمی‌داشت. اما اونوقت‌ها که پول تو دست مردم نبود. اکثر بده بستانها پایاپا بود. مثلاً اونایی که پول نداشتند. وعده می‌کردند که پول پارچه‌هایی که برداشتند سر خرمن خواهند داد. یعنی بجاش یا گندم می‌دادند یا بعد از فروش گندم پولشو. بعضی اوقات هم اونهایی که نداشتند حسابشون که جمع می‌شد و دیگه نمی‌تونستند بدهکاری‌هاشون را بپردازند. به تیکه زمین می‌دادند. به تیکه زمین امسال، به تیکه سال بعد. به تیکه این، به تیکه اون. کم‌کم از سر همین بدهکاری‌ها. دوره گردها سلک و املاکی جمع کردند. تا اینکه یک روز صهیونیست‌ها از هم سلک‌های خودشون برای ایجاد یک کشور مستقل تو فلسطین